

● مقدمه

گسترهٔ زمینه‌های فعالیتهای که مربوط به حفظ، احیاء و بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌گردد به حدی است که برای انجام این امور به ناچار توجهات به سوی استفاده از نیروهای مردمی معطوف گردیده و استفاده از مشارکت مردمی به عنوان یک نیاز و ضرورت مطرح می‌شود. حوزه آبخیز ریمله یکی از تجربیات موفق جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی است. زمینه‌سازی، قدرت‌دهی برای مشارکت و جلب مشارکت مردمی وظیفه‌ای است که در این فرایند بر عهده «ترویج» گذارده شده است.

در این میان توجه به ساختار اجتماعی و نظام‌های قدرت در حوزه ریمله، رویکردی جدید را به غیر از منابع زمین را برای قدرت دادن به اهالی در جهت مشارکت فعال در پروژه‌ها، طلب می‌کند. منطقه ریمله خرم‌آباد به دلیل کوهستانی بودن از میزان زمین زراعی محدودی برخوردار است. این در حالی است که اهالی فقیر روستا به دلیل وجود نظام‌های قدرت در گذشته و توزیع ناعادلانه زمینهای زراعی، از حداقل زمین در دامنه نیه‌ها و اراضی شیب‌دار بهره‌مند هستند. عدم دسترسی اکثریت اهالی به زمینهای مرغوب همواره به عنوان عامل مهمی در مشارکت مردمی -رضی اندام کرده است. چراکه فقر ناشی از آن، فرصتهای فزاینده قدرت اقتصادی که عامل اساسی در مشارکت مردمی است را با محدودیت حدی روبرو می‌سازد. رهیافتهای جدید به دلیل وجود مالکیت‌های قبلی بر اراضی و ناتوانی در توزیع مجدد قدرت اقتصادی بر پایه دسترسی نه زمین‌باند به دنبال راهبردهای غیر از توریج مجدد زمین نباشد.

در این میان راهبرد گسترش تواناییهای انسانی و مهارتهای تولیدی و نگرشهای اهالی

بررسی جایگاه

ترویج و آموزشهای ترویجی

در افزایش مشارکت مردمی

در حوزه آبخیز ریمله

غلامحسین حسینی نیا

گروه مطالعات و گروههای آموزشی و ترویجی،
معاونت ترویج و مشارکت مردمی



شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فقیر زیرحوزه ریمله می‌تواند عامل مؤثری در مشارکت مردمی برای احیاء و حفاظت از منابع طبیعی و در نهایت استفاده از فواید و دستاوردهای این طرحها باشد.

در سیستم سازمانی عمل‌کننده در منطقه ریمله، ایجاد و اجراء این راهبرد بر عهده «ترویج و آموزشهای ترویجی» گذاشته شده است.

در این مطالعه قصد بر این است؛ فرایندی را که طی آن ترویج و آموزشهای ترویجی ارائه شده توانسته در نیل به هدف فوق‌قدهای موققی را برآورد، تشریح شده و جایگاه این اقدامات در پروسه مشارکتی اتفاق افتاده مشخص گردد.

و در پایان آموزشهایی لازم برای تداوم و پویایی مشارکت نیز ذکر شده است.

مطالعه حاضر شامل قسمتهای زیر می‌باشد:

- ۱- چارچوب نظری: مفهوم ترویج، پروسه ایده‌آل مشارکت، پروسه پیشنهادی مشارکت، آموزش مشارکت، تجربیات سایر کشورها، آموزشهای فنی ترویجی، آموزش پویایی و تداوم مشارکت.

- ۲- حوزه جغرافیایی و تیپ‌شناسی جمعیت منطقه

- ۳- تبیین نقش ترویج و آموزشهای ترویجی در قالب پروسه پیشنهادی

- ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شایان ذکر است که این مطالعه به صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه‌های عمیقی با بیش از ۳۰ نفر از اهالی ۴ روستای منطقه و همچنین تنی چند از کارشناسان و کارگزاران استانی و محلی صورت گرفته و به همراه مطالعات کتابخانه‌ای، تنظیم شده است. در پایان از همه همکارانی که در انجام این مطالعه سهمی ایفا نموده‌اند، به ویژه آقایان؛ حسین صفایی، مهندس علیقلی حیدری و مهندس جواد قلی‌نیا از دفتر مرکزی وزارت جهاد سازندگی و آقایان مصطفی‌نژاد، ابراهیمی، امینی، نیازی و میرزایی از استان لرستان تشکر و قدردانی می‌گردد.

■ مفهوم ترویج

از دیدگاه صاحب‌نظران ترویج نوعی آموزش است که هدف آن یآوری مردم روستایی است تا از طریق کوششهای فردی و دسته‌جمعی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود را به طور مداوم بهبود بخشند. (داهاما ۱۹۶۶)۱۱

ویلسون^(۲) ترویج را سازمانی بر پایه همکاری (partnership agency) دانسته که در آن مقامات دولتی از سطوح مرکزی، استانی و محلی با مردم روستا گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر برنامه‌های عام‌المنفعه مربوط به جنبه‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی را برای اجراء مورد توجه و تحلیل قرار دهند.

■ پروسه ایده‌آل

معمولاً یک پروسه ایده‌آل مشارکتی را پروسه‌ای می‌دانند که مردم در تمامی مراحل، از طرح مسأله (بررسی، تعیین و اعلام نیاز) گرفته تا مشارکت در تصمیم‌گیری (برنامه‌ریزی و ارائه راه‌حلها)، مشارکت در اجرا و به‌تمرسانی فعالیتها و اقدامات، مشارکت در بهره‌برداری و سهیم شدن در منافع، مشارکت در حفظ و مراقبت و نگهداری طرح و بالاخره مشارکت در ارزشیابی طرح و فعالیت نقش داشته باشند.^(۳)

هر چند که پروسه فوق وضعیت ایده‌آل و کاملی را به تصویر می‌کشد اما عموماً در عمل با کاستی‌های فراوان روبرو شده و کمتر پروژه‌ای را می‌توان یافت که تمامی مراحل این پروسه در آن اتفاق افتاده باشد.

■ پروسه پیشنهادی

ضمن تایید پروسه فوق به عنوان حالتی ایده‌آل، حالت مطلوبی ارائه می‌گردد که انتظار می‌رود در عمل به توفیق بیشتری دست یابد. در این پروسه:

پس از بررسی، تعیین و اعلام نیاز از سوی کارشناسان یا انعکاس و طرح مسأله از جانب مردم، ایده مشارکت نضج می‌گیرد. در واقع از همین مرحله مسؤولیت ترویج آغاز می‌شود، و در مراحل بعدی پروسه در کنار مردم و با آنها عهده‌دار گامهای بعدی فرایند مشارکت می‌گردد. بدین معنی که با دادن آموزشهای اجتماعی و آموزش مشارکت با استفاده از فنون و ابزار ویژه آموزشی، آگاهیهای لازم برای توانمندسازی و قدرتمند کردن ذهنی افراد را به وجود می‌آورد.

در نتیجه این مرحله تحقیق ذهنی مشارکت به وقوع می‌پیوندد و در واقع افراد از لحاظ ذهنی آماده برای مشارکت در پروژه می‌گردند. مرحله بعدی با یک نیاز سنجی تازه آغاز شده و در این

گام نیازهای آموزشی افراد به آموزشهای فنی و دانش مربوط به انجام پروژه مشخص گردیده و ترویج آموزشهای فنی و اجرایی را به افراد ارائه می‌دهد.

نتیجه این آموزشها آگاه شدن افراد از نحوه اجراء پروژه و در نتیجه قدرتمند شدن برای اجرای فعالیتهاست.

در پایان این مرحله، مشارکت مردم در عمل اتفاق افتاده و نتایج فیزیکی کار قابل رؤیت است. مرحله سوم این پروسه که اهمیتی برابر و حتی بیشتر از مراحل قبلی دارد. تداوم و پویایی مشارکت است.

گامهای لازم برای تحقق تداوم و پویایی شامل آموزشهای پویایی است که سنجر به آگاه‌سازی و قدرتمند ساختن افراد برای تداوم و پویایی مشارکت می‌باشد.

ترویج در هر کدام از مراحل فوق با ایفای نقش خود انسجام و ادامه پروسه را تضمین می‌نماید.

پیتر اولکی و دیوید مارسدن پروسه فوق را در یک جمله چنین بیان می‌کنند:

«فزاینده قدرت دادن برای مشارکت، اصولاً یک فعالیت آموزشی غیررسمی است. مشارکت در واقع فرایندی آموزشی است، ولی از نوعی که حالت فراگیرمدار داشته و تابع فراگیران است.»

در ادامه چارچوب نظری فوق انواع آموزشهای سه‌گانه که در مراحل پروسه پیشنهادی به عنوان مفصل‌های اسکلت مشارکت ایفای نقش می‌کنند شرح داده می‌شوند:

۱- آموزش مشارکت و آموزشهای اجتماعی

این نوع آموزشها به افراد می‌آموزد تا با مشارکت در کارها برای رفع مشکلات خود قبول مسؤولیت کنند.

مشارکت مؤثر مستلزم آموزش و یادگیری بیشتر است. آموزش شیوه‌های مشارکت، فضای مناسبی جهت همفکری، احساس تعهد و همکاری و نهایتاً مشارکت فعال افراد را فراهم می‌آورد. در این رابطه حداقل می‌توان به سه نقطه مثبت دست یافت که شامل:

- ۱- توده مردم با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند رابطه نزدیک برقرار می‌سازند و به سوی

تشکل و سازمان پذیری روی می‌آورند که حاصل آن تشکیل گروه‌های سازندگی، شرکت‌های تعاونی، انجمن‌های مردمی و ... می‌باشد.

۲- کشف استعداد‌های رهبری

۳- گروه‌های مولد به اهمیت آموزش‌های حرفه‌ای پی برده و به سوی کسب مهارت‌های فنی بسیج می‌شوند (زمینه را برای آموزش‌های نوع دوم مهیا می‌سازند).

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که کاربرد عملی آموزش اجتماعی و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی در دهه هشتاد توانست مردم ساکن تعدادی از کشورهای جهان سوم را یاری دهد تا مناسبات اجتماعی خود را از یک جامعه عقب‌مانده به جامعه‌ای در حال پیشرفت مبدل سازند.^(۴)

در این جا ضمن ارائه فنون و ابزار آموزش مشارکت اجمالاً به تجربیات سایر کشورها در این زمینه اشاره می‌گردد.

در واقع هنگامی می‌توان بیشتر در این زمینه فهم داشت که ابزارهای فن آموزش مورد بررسی قرار گیرند. این ابزارها یک طیف وسیع و تحلیلی را در بر می‌گیرد و شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) جلسات گروهی که به طور منظم برگزار می‌شود، به عنوان عرصه اصلی آموزش مشارکت مطرح می‌باشند.

ب) جلسات آموزشی و بازدیدهای ترویجی که به توسعه فرایند آگاه‌سازی کمک می‌کنند.

ج) استفاده از نمایش اجتماعی به منظور روشن کردن مسائل خاص و تحریک مردم به مداخله در تجزیه و تحلیلها و تفسیرها.

د) شبیه‌سازی یا بازیهای از این قبیل که مبتنی تجزیه و تحلیل یک مسأله مشترک است.

ه) برگزاری مسابقات: مسابقات بر پایه اصل رقابت (competition)، فعالیتهای اجتماعی و به منظور ترغیب مشارکت روستاییان و افزایش مهارت‌های عملی آنان انجام می‌گیرند. هدف از برگزاری مسابقات؛ آماده کردن روستاییان - به ویژه روستاییان جوان جهت تحرک و تجهیز قوای انگیزشی نیرومند در آنان - و فراهم نمودن امکانات لازم برای افزایش مهارت‌های تخصصی در آنهاست.^(۵)

همچنین می‌توان از روش‌های دیگری همچون طوفان اندیشه، شور همگانی

(Buzz Session)، گروه بحث و ... نیز یاد کرد.

فن آموزش مشارکت، تجربه‌ای کاملاً شخصی است که در عین اینکه می‌توان عناصر مشترکی را در آن بازشناخت غالباً چنان محدود به افراد ذیربط است که تعمیم تجارب حاصله از آن دشوار می‌شود.

یکی از وظایف عمده عبارت است از ابداع وسایلی جهت نظارت مناسب بر نحوه عمل فن آموزش، تا بدین ترتیب بتوان از این تجارب در حیطه وسیعتری استفاده نمود.^(۶)

در تجربیاتی که از سایر کشورها موجود است؛ جنبه‌های مشترکی می‌توان یافت. از جمله در این موارد، قبل از شروع فعالیتهای عمرانی، یک مرحله کمابیش فشرده مقدماتی وجود دارد که شامل رابطه متقابل با مردم و در میان مردمی است که این فعالیتها به آنها مربوط می‌شود. این مرحله ممکن است به هدف برقراری انضباط، ایجاد اعتماد، بالا بردن آگاهی، پرورش توان انتقاد و تحلیل و افزایش انسجام گروهی و فعالیتهای دموکراتیک کمک نماید.

در هندوستان، روش‌های مشارکت را در اردوهای آموزشی^۷ به روستاییان می‌آموزند و از این راه به پیروزیهای بزرگی در زمینه توسعه اجتماعی دست یافته‌اند.

منظور از اردوهای آموزشی^۷ نماینده بسیج عمومی است که نهادهای مسؤول با تمام توان مالی و فنی آن را در راه مبارزه با عقب‌ماندگی به کار گرفته‌اند.

این اردوهای آموزشی از نقطه نظر بحث و مذاکره گروهی می‌تواند بهترین فرصت را پدید آورد.

علاوه بر هند، مردم مالزی، سری لانکا، امریکای لاتین و ساکنان بخشهایی از جزایر اقیانوس کبیر از این روش سود جسته و در سایه آن توانسته‌اند با ناآگاهی و نداری روستاییان مبارزه کنند.^(۷)

در ابتدای بحث از بازدیدهای ترویجی به عنوان ابزاری برای فن آموزش مشارکت که به توسعه فرایند آگاه‌سازی کمک می‌کند یاد گردید. اینک نمونه‌ای عملی و جالب از این ابزار که در کشور مالزی مورد استفاده قرار گرفته شرح داده می‌شود.

در کشور مالزی دست‌اندرکاران ذی‌ربط سعی دارند از طریق پژوهش و آموزش مشارکت

(Participatory research & training)، سطح آگاهی کارگران کشاورزی و صنعتی را افزایش دهد و این طریق را به عنوان وسیله‌ای برای حل مشکلات مشترک معرفی کنند. در این کشور، شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی را به گروه تقسیم نموده و هر گروه را به منطقه‌ای از کشور که مورد علاقه آنهاست گسیل می‌دارند. آنها ابتدا وضع زندگی مردم محل تحقیق را بررسی و شناسایی کرده و پس از انجام کار پژوهش، گروه‌های تحقیق موضوع مطالعه خود را با هم مقایسه می‌کنند.

براساس همین مطالعات انجام شده برای مردم محل مورد مطالعه، دوره‌های آموزشی مسائل اقتصادی و اجتماعی تشکیل می‌شود. در استرالیا نیز برای نیل به هدفهای اجتماعی، آموزش پژوهشگرانه مشارکت، اساس کار قرار گرفته و این روش در ادبیات آن کشور به نحو گسترده‌ای بازتاب یافته است.

آموزش مشارکت برای تفهیم و تعمیم عنصر مشارکت در زندگی روزانه مردم این جزیره بزرگ از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ کلیه حوزه‌های شهری و روستایی کشور را در بر گرفته است.

روش آموزش مذکور توسط نهادهای خاص آموزش بزرگسالان، مراکز بزرگسالان و از همه مهمتر آموزش‌های ترویجی صورت می‌پذیرد.^(۸)

۲- آموزش‌های فنی و اجرایی

نوع دوم آموزش‌های سه‌گانه پروسه پیشنهادی به آموزش‌های فنی اختصاص دارد.

این آموزش‌ها، آگاه‌سازی و توانمند ساختن افراد برای حضور عینی و فیزیکی در طرحها را بر عهده دارد. در این مرحله کارشناسان موضوعی به ارائه آموزش‌های لازم برای اجرای پروژه می‌پردازند.

یک گروه از تکنیک‌های آموزشی در این قسمت شامل روش‌های سنتی مبتنی بر نمایش است که از بسیاری جهات سنگ بنای فعالیتهای ترویجی را تشکیل می‌دهند.

نمونه‌هایی از این تکنیک‌ها عبارتند از نمایش طریقه‌ای، نمایش نتیجه‌ای، روز مزرعه (بازدید از پروژه‌های اجرا شده در مناطق دیگر)، مسابقات و ...

نمایش طریقه برای نشان دادن چگونگی

انجام قدم به قدم چیزی به منظور آموزش فنون و عملیات جدید به یک گروه از ارباب رجوع ترویج مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که نتایج حاصله از نمایش را می‌توان مشاهده و بعضاً عملیات مربوطه را تمرین کرد، این روش در ترغیب روستاییان به انجام موارد آموزشی بسیار مؤثر است.

در نمایش نتیجه ضمن نمایش عملکرد نوعی نهاده یا روش جدید و مقایسه آن با روش سنتی، دلایل پذیرش و روش جدید به مخاطبین ترویجی آموخته می‌شود. این تکنیک آموزشی غالباً در فعالیتهای زراعی و دامپروری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انجام یک نمایش نتیجه موفق، به ایجاد اطمینان در قضاوت و توانایی کار در بین روستاییان منجر می‌شود.

هدف از مزرعه نیز ارائه فرصت به روستاییان است تا شخصاً روشهای ارائه شده موفق را مشاهده کرده و پرسشهایی به عمل آورند. این روز برای ایجاد فضایی آموزشی است که در آن تماس و یادگیری به طور غیررسمی صورت می‌گیرد.^(۹)

۳- آموزش تداوم و پویایی مشارکت

تداوم و پویایی مشارکت به عنوان یکی از مراحل اساسی و حتی اصلی‌ترین مرحله پروسه مشارکت مطرح است چراکه مشارکت بدون دوام و پایداری همچون شهابی است که پس از مدتی سرد و خاموش می‌گردد.

در بحث آموزش مشارکت (نوع اول آموزش سه‌گانه) از تشکلهای روستاییان و گروههای سازندگی سخن گفته شد و در قالب این گروهها سازماندهی، تشویق و ترغیب و آگاهسازی افراد برای مشارکت مطرح گردید.

آنچه در واقع پویایی و پایداری مشارکت را تضمین می‌کند پویایی و دوام همین گروهها و تشکلهای مردمی است.

پروفسور ملکم‌ناله و هولدانالز در مقدمه‌ای بر دینامیک گروه، پویایی گروه را چنین تعریف کرده است:

اگر ما یک گروه مرکب از چند نفر را در نظر بگیریم بین اعضای آن تأثیر و تأثر و معاملات صورت می‌گیرد. که در رفتار آنان مؤثر واقع می‌شود



البته ممکن است این اشکال وارد گردد که تلقی گروهها به منزله کانون پویایی و تداوم مشارکت و در نتیجه تقویت گروهی خاص - به این منظور که گروه در موضع بهتری دفاع از منافع خود در مقابل سایر گروهها قرار گیرد. و نیز به طور موفقیت‌آمیزی جهت دستیابی به منافع، به رقابت پردازد. مشکلات و ناهنجاریهایی را به وجود آورده و باعث ایجاد تعارض در بین افراد یا گروهها شود. به هر حال استحکام و اقتدار و دوام گروه سازندگی در روستا می‌تواند رهنمونی برای جلب و تشویق سایر افراد برای عضویت در گروه و همکاری و هماهنگی با آن باشد.

به طور کلی آموزشهایی که باید برای تداوم مشارکت مردمی صورت پذیرد، شامل آموزشهایی می‌شود که به افزایش توان روستاییان برای خودگردان کردن گروهها و دادن آگاهیهایی جهت تداوم گروهها و نهایتاً تداوم مشارکت مردم منجر شود.

■ حوزه آبخیز ریمله

حوزه ریمله یکی از شش زیرحوزه آبخیز شمال خرم‌آباد می‌باشد^(۱۰) که با وسعتی حدود ۸۰۰۰ هکتار در فاصله ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی، در ۲۶ کیلومتری شمال خرم‌آباد قرار گرفته است. ارتفاع متوسط زیرحوزه ۱۸۴۲/۰۶ متر است

و در عین حال هیأت کلی یعنی ساخت روابط گروه هم تعیین می‌کند. از آنجا که اعضاء گروه در هر لحظه از زمان تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار می‌گیرند، همواره در یک حالت باقی نمی‌مانند. گروه هم مانند اعضاء خود همیشه به یک حالت نیست.

به این معنی که دائماً در حال حرکت، انجام کار، تغییر، در حال شدن و کنش متقابل می‌باشد و ماهیت و مسیر حرکت آن توسط نیروهایی تعیین می‌گردد که از داخل یا خارج گروه بر آن اعمال می‌شود.

بنابراین کنش و واکنش، تأثیر و تأثرات، فعل و انفعالات و کنش‌های متقابل این نیروها و تأثیر آنها بر روی گروه پویایی گروه نامیده می‌شود.

در واقع آنچه باعث دوام گروهها می‌شود، وجود هدفهای طولانی مدت و متعالی است که اعضاء گروه و خودگروه به سوی آن می‌روند و در این مسیر هدفهای کوتاه مدت را یک به یک تسخیر می‌کنند.

رضایت خاطر اعضاء گروه وقتی حاصل می‌شود که گروه حداقل به یک هدف کوتاه مدت خود در جهت هدف متعالی دست می‌یابد. همبستگی و وحدت در گروه نیز از عوامل اصلی است که به نسبت در گروهها وجود دارد و هر چه نسبت و درجه آن در گروه زیادتر باشد، دوام گروه را بیشتر می‌کند.

که کم ارتفاع ترین نقطه آن ۱۳۲۰ متر و بلندترین نقطه آن ۲۷۴۰ متر ارتفاع دارد.

بلندترین آبراهه طبیعی ریمله دارای طولی معادل ۲۰ کیلومتر است. معدل درجه حرارت سالیانه ۱۱/۲ درجه سانتیگراد و معدل حداقل و حداکثر درجه زیرحوزه به ترتیب ۲/۵ و ۱۹/۵ درجه سانتیگراد می باشد.

این حوزه دارای متوسط بارندگی ۷۰۳ میلیمتر در سال است.

ریمله در محدوده جنگلهای خشک واقع شده است. به استثناء ارتفاع بالاتر از ۲۲۰۰ متر تا ۲۳۰۰ متر در ارتفاعات مختلف جنگل وجود دارد. بر اساس پلانیمتری به عمل آمده از قطعات جنگلی، وسعت ناحیه تحت پوشش آنها ۳۳۳۳ هکتار برآورد شده است. پوشش جنگلی غالب در این منطقه بلوط غرب (Quercus Persica) می باشد. بیش از ۲۵۶۸ هکتار از اراضی ریمله زیر پوشش اراضی مرتعی است. اما مراتع مذکور از حیث کیفی فقیر بوده و عملکرد تولیدی آنها در هکتار تنها ۱۵۰ کیلوگرم علوفه خشک می باشد. بر اساس شواهد موجود در سالهای اخیر سطح وسیعی از اراضی مرتعی و جنگلهای جلگه ای در حاشیه روستاها و نقاط کم شیب به اراضی زراعی دیم یا بازده اندک تبدیل شده است. حوزه ریمله دارای ۷ روستا (۱۱) با ۱۲۲۶ نفر سکنه در قالب ۲۰۳ خانوار است که از این تعداد ۶۹۴ نفر مرد و ۵۳۲ نفر زن می باشند سهم سواد مردان ۷۸٪ و سهم زنان ۲۸٪ است.

بیشترین تعداد سکنه در ریمله اصلی و کمترین سکنه در روستای سیل میش (۱۷ نفر) به سر می برند. (منبع: دبیرخانه همایش جهانی سطوح آبگیر باران در سازمان جهادسازندگی استان لرستان «خلاصه ای از وضعیت عمومی حوزه نمونه ریمله...»)

در جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی در زیرحوزه ریمله برحسب درصد اشتغال و نسبت شاغلیان به خانوار آمده است.

جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی از زیرحوزه ریمله بر حسب درصد اشتغال و نسبت

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۶۷، ۱۸۰ خانوار از ساکنان روستاهای زیرحوزه به زراعت اشتغال داشته اند.

دامداری دومین شغل عمده روستاییان محسوب می گردید. (منبع مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهادسازندگی استان لرستان، بررسی راه کارهای اشتغال خانوار روستایی در منطقه ریمله، سازمان جهادسازندگی استان لرستان، ۱۳۷۵، ص ۱۱).

جمعیت دانش آموزان حوزه ۴۰۶ نفر است که در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تحصیل می کنند.

تبیین نقش ترویج و آموزشهای ترویجی در قالب پروسه پیشنهادی

پروسه ای که طی آن ترویج و آموزشهای ترویجی در زیرحوزه ریمله ایفای نقش نمود را می توان تا حدود زیادی بر پروسه پیشنهادی منطبق دانست. چنانچه پیش از این اشاره شد زیرحوزه ریمله به دلیل کوهستانی بودن از میزان زمین زراعی محدود برخوردار است.

لذا رویکردهای جدید باید به دنبال گسترش تواناییهای انسانی و مهارتهایی تولیدی و تغییر در نگرش اهالی منطقه گام بردارد. تا با افزایش اتکاء به نفس و تجهیز آنها به مهارتهای تولیدی، فرصتهای جدید برای مشارکت ایجاد شود.

در تبیین پروسه مشارکتی که در منطقه ریمله اتفاق افتاده است می توان اذعان داشت که هرچند تعیین نیاز به صورت رسمی توسط کارشناسان صورت گرفته است اما با تعمق بیشتر و نگاهی گذرا به مراجعات مکرر اهالی که از وضع موجود گله مند بوده و همیشه از جاری شدن سیلابها و خساراتی که بر اثر سیل (۱۲) در منطقه به دامها و مزارع آنها وارد شده شکوه داشته اند، می توان به توجه مردم به این مسأله پی برد. همچنین آنها با به یاد آوردن گذشته نه چندان دور که منطقه ریمله از جنگلهای انبوه پوشیده بود احساس نقصان و کاستی ر لمس می نمودند.

اگرچه هم مردم و هم مسؤولین و کارشناسان سهم مهمی در طرح مسأله داشته اند اما در این میان سهم کارشناسان در بررسی و بارز کردن نیاز بیشتر مشهود است.

ایده مشارکت اهالی از همین مرحله شکل می گیرد چراکه به لحاظ نوع کار و وسعت فعالیت نیاز به مشارکت مردمی از سوی کارشناسان و خود

مردم احساس می گردد.

تجربیات گذشته احیا و حفاظت از منابع طبیعی که در آنها از نیروهای همچون سربازان وظیفه یا نیروهای دانش آموزی غیربومی که به حالت اجبار به این امور می پرداختند. شکست فعالیتها را نشان می دهد. چراکه این نیروها به دلیل عدم احساس تعهد و مسؤلیت و نداشتن انگیزه های کافی و واقعی برای مشارکت بعضاً حتی به معدوم کردن ابزار، نهالها و به زور نیز اقدام می نمودند.

لذا استفاده از نیروهای مردمی با انگیزه و مسؤول، شرط لازم برای موفقیت طرح به حساب می آمد.

در این مرحله آموزشهای اجتماعی و آموزش مشارکت برای زمینه سازی و جلب مشارکت اهالی به عنوان اولین نوع آموزشهای سه گانه پروسه پیشنهادی مشارکت آغاز گردید.

ابزاری که برای این نوع آموزش مورد استفاده قرار گرفت بیشتر به صورت جلسات توجیهی و بازدیدهای ترویجی از مناطق خارج از استان لرستان و مسابقات ترویجی بود. بازدیدهای ترویجی که از طرحهای موفق انجام شد، در استانهای مجاور نظیر طرحهای «مردیم» و «تجیر دیم» در استانهای فارس و همدان. همگی در ایجاد باور «توانستن» در افراد تأثیر داشته و در تأکید و تعمیق درک مشارکت اثرگذار بوده است.

اقدام به انجام طرحهای ابتکاری توسط یحی از اهالی در خصوص جمع آوری آبها و هدایت آن برای مشروب ساختن اراضی خود بدون استفاده از الکترو موتور که در حالت عادی به دلیل پرسیب بودن غیرممکن می نمود را می توان به عنوان نمونه ای از تأثیرپذیری اهالی از این بازدیدها مطرح نمود.

جلسات گروهی و توجیهی که در مدارس و یا منازل رهبران شوراهای اسلامی روستاهای زیرحوزه برپا می شد در واقع به عنوان عرصه اصلی آموزش مشارکت مطرح بود.

در این جلسات، بحثهایی به صورت پرسش و پاسخهای گروهی بین اهالی روستا و کارگزاران ترویج صورت می گرفت که به بررسی وقایع گذشته و جاری و بیان نقطه نظرات در مورد اهمیت، ضرورت و فواید حفظ و احیاء منابع طبیعی و ضرورت مشارکت مردمی پرداخته می شد.



در واقع این جلسات توجیهی بر این اصل استوار بود که قبل از هر کار عمرانی و مادی و یا در جریان آن، باید درباره دلایل انجام فعالیت، بحثهای ممتدی صورت گرفته و دلایل کار تجزیه و تحلیل شوند. یعنی همه اهالی باید برای مشخص کردن اینکه مشکلاتشان چیست، از کجا ناشی می‌شود و چگونه می‌توانند آنها را برطرف کنند، به بحث و گفتگو بنشینند. در همین جلسات توجیهی با کمک مسؤولین اقدام به تشکیل گروههای سازندگی گردید.

مرحله آغازین تأسیس گروههای سازندگی، شامل برانگیختن و وظیفه‌مند کردن افراد بود. بعد از این مرحله، روستاییان به طور جدی تصمیم به شرکت در گروههای سازندگی گرفتند. تأکید فراوان بر کار، تحرک بخشی و جلسات گروهی، الگوی فعالیت‌هایی را پدید آورد. که به عنوان بازتابی از وضعیت، آگاهی، تجربه، توانمندیها و آرزوهای مردم محسوب می‌شد.

در این گروهها، «وظیفه‌مند کردن» نه تنها در مرحله آغازین حیات گروهها یک عنصر اساسی محسوب می‌شود، بلکه در طول تداوم و پویایی گروهها نیز به عنوان یک عنصر کانونی در فرآیند مشارکت مردمی به حساب می‌آید.

این عنصر به عنوان یک فرآیند در آزادسازی نیروهای خلاق مردمی و تجزیه و تحلیل مسائل به وسیله خود مردم ایفای نقش می‌کند. در واقع وظیفه‌مند کردن، به خود سازماندهی مردم منجر می‌شود که این خود سازماندهی، ابزار برای انجام اقدامهای ابتکاری جمعی است.

پس از تشکیل، نخستین اولویت گروههای سازندگی، عبارت است از تشویق ساز و کارهای خودکار بین مردم روستا و حمایت از آنها و توانایی‌شان برای تحلیل وضعیت.

پس از یک دوره شناخت و آگاهی و تحلیل، گروهها با ترکیب مهارتها و نیروی کارشان، با آموزشهای فنی، ابزار و کمکهای مالی خارج از گروه که توسط جهادسازندگی به آنها اعطاء می‌شود عهده‌دار فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی مختلف می‌شوند.

این فعالیتها شامل سنگ‌چینی، سکوبندی، احداث چکدم، نانکت، احداث سدهای گابیونی، نراس‌بندی در اراضی شیب‌دار، کپه‌کاری، بدرکاری و نهالکاری می‌باشد.

این حجم کار توسط ۳ گروه سازندگی مردان در مدت زمانی به وقوع پیوسته است که در مقایسه با استاندارد کار در این شرایط، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای را از لحاظ زمانی نشان می‌دهد، ضمن اینکه به دلیل هزینه نیز اصلاً قابل مقایسه با انجام کار به صورت مزدوری نیست.

لازم به ذکر است که یک گروه سازندگی ویژه زنان روستایی نیز شکل گرفت که با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی منطقه، آماده‌سازی ذهنی زنان منطقه برای مشارکت در فعالیت‌های مربوطه، موفقیت عمده‌ای به شمار می‌رود که به مدد آموزشهای ویژه برای جلب مشارکت آنها تحقق یافت. این گروه به دلیل ماهیت و موقعیت خود می‌تواند با افزایش درآمد خانوار و کاهش وابستگی خانواده به درآمد حاصل از منابع دامی و مزارع کم‌بازده در دامنه شیب‌دار تپه‌ها، به پایداری مشارکت مردمی و کمک به حفاظت بیشتر از منابع طبیعی کمک شایانی نماید.

این گروه با آشنا شدن به نحوه کاشت بذر گردو

آموزش مربوط به کاهش دام و بالابردن تولیدات به تعداد دام کمتر در این مرحله صورت گرفته و در آن ضمن بیان روشهای پروراربنندی، در مورد بهداشت دام و غیره نیز - که در بالابردن راندمان تولید تأثیر گذارند - آموزشهایی ارائه گردیده است.

نکته جالب توجه آن است که به دلیل علاقه و انگیزه افراد به کار و با تأکید قابل توجهی که بر روی آموزش‌های فنی و اجرایی در منطقه ریمله به عمل آمده است، این نوع آموزش بسیار موفقیت‌آمیز بوده و تأثیر شگرفی بر موفقیت و پیشرفت پروژه‌ها از خود برجای گذاشته است. در انجام این آموزشها از روشهای نمایش نتیجه و نمایش طریقه و باز دیده‌های ترویجی استفاده شده است.

نتیجه حاصل تا این مرحله از پروژه پیشنهادی اجرای عملیات حفظ و احیاء منابع طبیعی، در سطح ۸۰۰۰ هکتار از اراضی منطقه بوده است.

در خزانه اقدام به تولید نهال در حیات منازل نموده‌اند.

همچنین به کمک اداره ترویج شهرستان با برگزاری کلاسهای گلسازی، آموزشی خیاطی، آموزش قالیبافی (په آموزی فرش) در توانمندسازی زنان روستایی و تغییر نگرش آنها از انسانهای مصرف‌کننده به انسانهای مولد گامهای مؤثری برداشته است. که این امر به افزایش وجهه اجتماعی زنان تأثیر بسزایی به جای خواهد گذارد. احداث خانه ترویج مکان مناسبی را برای گروههای افراد گروههای سازندگی، زنان و جوانان روستایی و برگزاری کلاسهای آموزشی فراهم آورده است.

در مرحله بعدی پروژه پیشنهادی، تداوم و پویایی مشارکت مردمی در حفظ و گسترش فعالیتها مطرح می‌شود. آنچه از دید کارشناسان و مسئولان در ایجاد مشارکت مردمی تأثیر اصلی را برجای گذاشت است، همان درک واقعی ابعاد مسأله از سوی روستاییان و تقویت آن در کلاسهای توجیهی و جلسات آموزشی بوده است. اگرچه تشویقهای مادی و انگیزه‌های مالی که از سوی کارشناسان و با مردم عتوان می‌شود. چندان قابل توجه است، اما این انگیزه به دلیل فقر اهالی و نیاز واقعی آنها قابل درک و تأمل است. لذا ایجاد انگیزه مادی مستقیم به عنوان یک آلترناتیو در کمکهای جهاد سازندگی، در کوتاه مدت راه حل مناسبی به نظر می‌رسد. ضمن اینکه کمکهای مادی به هیچ وجه به اندازه واقعی حق الزحمه افراد نبوده و صرفاً جنبه کمک برای امرار معاش دارد.

البته در بلند مدت پرداختن به خوداتکایی گروهها و تشویق غیرمستقیم آنها، به عنوان محور اساسی در دستور کار جهادسازندگی قرار دارد. بدین معنی که به جای اختصاص دادن سوبسیدهای مستقیم به گروههای سازندگی بر ابزارهایی برای کمک غیرمستقیم به آنها در جهت تقویت توانایی ادامه حیاتشان تکیه گردد.

برای تداوم و بقای گروههای سازندگی شرطی بدیهی مبنی بر آن که این گروهها باید در مقایسه با دیگر راه کارها، همواره منافع بیشتری غایب اعضا سازند، وجود دارد. لذا واگذاری معتبر نتایج پروژهها به گروههای مردمی که تنها یک مورد آن شامل صدها اصله درخت گردو می‌باشد،

می‌تواند در دستیابی به شرط لازم برای تداوم و بقای گروههای مردمی و در نتیجه تداوم مشارکت در حفاظت از پروژههای انجام شده کاملاً مؤثر باشد.

البته باید توجه داشت که واگذاری اقدامات و فعالیتها به مردم به نحوی صورت گیرد که باعث تفرقه و تضعیف جامعه نگردد. در این خصوص موارد زیر درخور توجه است:

۱- رواج و ارتقاء سطح تشکلهای روستایی گسترده و چند منظوره که بتواند تمامی افراد ساکن در منطقه را تحت پوشش قرار دهد.

۲- معرفی مفاهیم تازه و بدیع و ایجاد تشکیلاتی جهت به وجود آوردن احساس قوی مالکیت در جامعه، به طوریکه افراد پروژهها را از آن خود حساب کنند.

به عنوان مثال، از طریق عقد قرارداد فیما بین اداره منابع طبیعی و جامعه روستایی (نه افراد به صورت انفرادی) (۱۳)

این امر نه تنها باعث ارتقاء سطح مشارکت می‌شود؛ بلکه از شدت وابستگی کنونی روستاییان به دولت نیز می‌کاهد و باعث می‌گردد که جامعه احساس کند برای خودش دارای مشکلات و راه‌حلهایی است.

لذا در مسائل بعدی منطقه، پروژه مطلوب پیشنهادی به سمت پروژه ایده‌آل مشارکت سوق پیدا می‌کند. آنچه در مدت زمان نسبتاً کوتاهی که از انجام پروژه می‌گذرد می‌توان در نگرش مردم دید این است که:

روستاییانی که تا چندی پیش با شوق و لذت خاصی اقدام به قطع بهترین درختان و بوته‌ها برای مصارف گوناگون از جمله سوخت می‌نمودند. اینک نه تنها هیچ احساس خوشایندی از این کار

ندارند بلکه حتی در برابر قطع یک شاخه درخت هم از خود واکنش نشان داده و آنرا مردود می‌شمارند.

در مورد مراتع نیز هر چند که قرق آنها مشکلاتی را برای اهالی به وجود آورده است، اما به دلیل نگرش مثبت نسبت به آینده این مراتع از شکستن قرق خودداری می‌نمایند.

در ادامه کار، آموزشهای تعاونی و آموزش کار در گروه از آموزش ترویجی لازم در این مرحله است که باید به آن توجه کافی مبذول گردد.

■ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آنچه در تجربه زیرحوزه ریمله مشاهده شد انطباق خوبی را بر پروژه پیشنهادی نشان می‌دهد. این حرکت را می‌توان با عنایت بیشتر به سمت پروژه ایده‌آل مشارکتی سوق داده و در دستیابی به یک جامعه مشارکتی موفق در منطقه تلاش نمود.

باید عنوان نمود که با توجه به این مطالعه لزوم تأکید فراوان بر آموزشهای نوع اول - (آموزش مشارکت و آموزش اجتماعی) - مشاهده می‌گردد. این نوع آموزشها در تجربه ریمله نیز هنوز توجه افزونتر را طلبیده و به عنوان یک نکته که در خور تأمل بیشتر است، معرفی می‌شود.

جدی گرفتن حضور اهالی و نمایندگان آنها در مراحل تصمیم‌گیری پروژهها نیز لازم بوده و به عنوان یک نیاز در دسترسی به الگوی ایده‌آل مشارکت ضروری می‌نماید. همچنین مرحله سوم الگوی پیشنهادی نیز هنوز قدمهای اولیه خود را طی می‌کند. لذا توجه به این مرحله با ارائه آموزشهای تداوم و پویایی، آموزش کار در گروه و آموزشهای تعاونی به همراه تلاش در ایجاد

جدول شماره (۱) توزیع جمعیت شاغل روستایی در زیرحوزه ریمله بر حسب درصد اشتغال

روستا	جمعیت شاغل	درصد اشتغال	نسبت شاغلین به خانوار
ریمله اصلی	۸۱	۱۹/۴	۱/۲
قلعه‌نو	۶۲	۱۷/۸	۱/۱
پشت‌مله	۳۸	۲۰/۳	۱/۲
برالیکه	۲۵	۱۸/۵	۱
چشمه‌بید	۱۳	۱۹/۷	۱/۳
خلیل‌آباد	۶	۲۲/۲	۱/۲
سیل‌منش	۳	۱۷/۴	۱
جمع	۲۳۳	۱۹/۰۷	۱/۱۴

اعمال صحیح یک نظام بهره‌برداری تعاونی در منطقه ضروری است.

■ منابع مورد استفاده:

- ۱- سام‌آرام، عزت‌الله، مددکاری اجتماعی (کار با گروه)، انتشارات نقش هستی، تهران ۱۳۷۳.
- ۲- سوان سون، برتون، مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی، انتشارات سازمان ترویج، تهران ۱۳۷۰.
- ۳- گزارش کارشناسان FAO در مورد PRA، انتشارات جهادسازندگی، تیراژ محدود.
- ۴- عبدالهی، حسن، توسعه روستایی همه جانبه (مقاله)، گاهنامه روستا و توسعه، ترجمه علیرضا کاشانی، انتشارات جهادسازندگی، تهران ۱۳۷۳.
- ۵- سالکی، حسین، مشارکت، تهران ۱۳۶۹.
- ۶- مولت، جی ۱، جنبه‌هایی از برنامه‌ریزی کشاورزی، گاهنامه روستا و توسعه، ترجمه سعید ذکایی، انتشارات جهادسازندگی، تهران ۱۳۷۰.
- ۷- بهروان، حسین، تأثیر مشارکت روستاییان در اجرای پروژه‌های عمرانی، مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت، جهادسازندگی، ۱۳۶۵.
- ۸- گراول و تامبر، مقدمه‌ایی بر آموزش ترویج، ترجمه سیروس سلمانزاده، انتشارات دانشگاه اهواز، ۱۳۶۷.
- ۹- FAO، نظارت و ارزشیابی مشارکتی، ترجمه غلامحسین صالح‌نسب، انتشارات جهاد، تهران ۱۳۷۱.
- ۱۰- فرزانه، علی، بررسی نیازهای آموزشی جنگل‌نشینان دامدار به منظور حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری از جنگل در حوزه آبخیز سفارود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۱- مصاحبه‌های نگارنده با اهالی منطقه و مسئولان محلی.
- ۱۲- گزارش‌های استانی.
- ۱۳- عفتی، محمد، بررسی عوامل مؤثر و مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ۱۳۷۱.

nation, studies on Agration Reform and Rural Poverty, Rome 1984.

15- Piter oakley and David Morsden "APPROACHES to PARTICIPATION IN RURAL RURAL DEVELOPMENT" Geneva: Internationa laoure office 1984.

16- Munkner Hans H, Elisabeth Baltes and ulrike Gamm, STRATEGIES FOR THE PROMOTION OF SELF HELP ORGANIZATION of the rural POOR "ROME: Food and Agriculture Organization (FAO) 1992.

بقیه از صفحه ۶۰

یکدیگر مبادله نمی‌کنند و اجباراً تمامی آن خانوارها اقدام به خرید در مناطق شهری می‌نمایند، که در این صورت، سیاست پولی انبساطی اتخاذ شده در مناطق روستایی، تنها در وهله اول برای خانوارهای روستایی درآمد ایجاد خواهد کرد و سپس سریعاً به جامعه شهری برمی‌گردد. کشت محوری که تنوع در عرضه محصول توسط روستاییان را کاهش می‌دهد، امکان مبادله روستاییان با یکدیگر را کاهش می‌دهد که در این صورت، ضریب فزاینده مخارج خانوارها در روستا را کم خواهد کرد.

* منابعی که در متن ارجاع داده نشد، به طور غیرمستقیم مورد استفاده قرار گرفته است.

پی‌نوشتها:

- ۱- منبع ۸
- ۲- همان منبع
- ۳- منبع ۱۳
- ۴- منبع (۵)
- ۵- منبع شماره ۲
- ۶- منبع شماره ۱۵
- ۷- منبع شماره (۵)
- ۸- همان منبع
- ۹- منبع شماره (۲)
- ۱۰- نقشه توپوگرافی حوزه در ضمیمه شماره یک آمده است.
- ۱۱- اسامی روستاها به ترتیب میزان جمعیت؛ ریمله اصلی (۴۴۴ نفر)، قلعه نو (۳۴۸ نفر)، پشت‌مله (۱۸۷ نفر)، برالبکه (۱۳۵ نفر)، چشمه‌بید (۶۸ نفر)، خلیل‌آباد (۲۷ نفر) و سیل‌میش (۱۷ نفر)
- ۱۲- یک مورد آن مربوط به سیل تیرماه ۱۳۶۰ است که گله‌های گوسفند زیادی را در منطقه تلف نمود.
- ۱۳- منبع (۱۶)

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- برانسون، ویلیام - تئوری و سیاستهای اقتصادی کلان - ترجمه: عباس شاکری - تهران: نشر سی ۱۳۷۳
- ۲- مرکز آمار ایران - نتایج تفصیلی آمارگیری ز هرزه و درآمد خانوار روستایی - تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۳
- ۳- مرکز آمار ایران - نتایج تفصیلی آمارگیری از هرزه و درآمد خانوار شهری - تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۳
- ۴- مهرگان، نادر - نگاهی به وضعیت هرزه و درآمد خانوار روستایی - ماهنامه بررسیهای بازرگانی - تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - شماره ۷ اسفند ۱۳۷۱
- ۵- مهرگان، نادر - رشد بخش کشاورزی و بویج درآمد اطلاعات ساسی و اقتصادی - شماره ۹۳ و ۹۴ - نیرماه ۱۳۷۴
- ۶- میردال، گونار - تئوری اقتصادی و کشورهای نام رشد - ترجمه: غلامرضا سعیدی - تهران: نشر اندیشه - ۱۳۴۹
- ۷- وهانی، بهرام - محاسبه و تحلیل زیست در سرآورد بوج مصرف جمعی در ایران - تهران: دانشگاه شهید بهشتی (پایان نامه کارشناسی ارشد) - ۱۳۷۰

14- El Ghomy, M.R. "The Crisis of rural Poverty: can Participation on it?" In food and Agriculture ORGANIZATION of the united